

سیگنال‌های شفاف مقامات دولت بایدن درباره عبور از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ و تلاش برای تحقق مذاکرات فرابرجامی در وین

# بایدن فاتحه برجام را خواند؟

رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران و رئیس تیم مذاکره کننده آمریکایی در وین:

در آینده نه‌چندان دور، باید به این نتیجه برسیم که برجام دیگر وجود ندارد و باید درباره یک توافق کاملاً جدید مذاکره کنیم

صفحه ۲



رئیس: محور اقدامات اقتصادی دولت معاون اول رئیس جمهور است هر گونه اطلاع رسانی اقتصادی با هماهنگی ایشان باشد

## تیم اقتصادی با مخبر

### تیتراهای امروز

گزارش «وطن امروز» از جزئیات سانحه برخورد قطارها در خط ۵ متروی تهران

### مغز مترو فرمان نداد!

مهدی چمران در گفت‌وگو با «وطن امروز»: نگران تکرار حادثه هستیم



گزارش مرکز آمار حاکی از کاهش نرخ تورم در ماه‌های اخیر است

### سیگنال‌های مهار تورم

دما در نیمه شمالی کشور کاهش شد؛ بارش‌ها در نقاط مختلف ادامه دارد

### شروع زمستان با برف و باران

زمینمه طنز راه راه

۱۸۲  
سالروز انتشار نیتر تاریخی  
امضای کری تضمین است  
دیپلماسی را باش!

### نگاه

#### کریسمس سرد و تاریک اروپا

علیرضا فرید: می‌توان گفت افزایش قیمت انرژی در اروپا طی ماه‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین رویدادهای سال جاری میلادی است. قیمت گاز در اروپا - زیر سایه افزایش تنش‌ها میان روسیه و اروپا - طی یک سال اخیر ۶۰۰ درصد افزایش یافته است. در هفته جاری اما نگرانی‌ها از وقوع بحران انرژی در اروپا پررنگ‌تر شد. قیمت گاز در اروپا روز سه‌شنبه بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت و به رکورد ۱۸۱ یورو در هر مگاوات ساعت (MWh) رسید. اروپایی‌ها معتقدند مسکو عمداً تحویل گاز را کاهش می‌دهد تا موقعیت سیاسی و قدرت چانه‌زنی خود را در بحبوحه تنش‌ها بر سر اوکراین و تأخیر اروپایی‌ها در صدور گواهینامه خط لوله «نورد استریم ۲» حفظ کند. انتهای که البته همواره با تکذیب طرف روس همراه بوده است. اما داستان نورد استریم ۲ چیست؟ ۱۹ شهریور امسال بود که روسیه از اتمام خط لوله بحث‌برانگیز «نورد استریم ۲» برای انتقال مستقیم گاز طبیعی به آلمان خبر داد؛ پروژه‌ای که منتقدانش می‌گویند وابستگی اروپا به مسکو را افزایش می‌دهد. تنش‌ها و اختلافات دیپلماتیک بر سر این پروژه ۱۰ میلیارد یورویی به قدری شدت گرفته بود که برخی می‌گفتند این پروژه هرگز تکمیل نخواهد شد اما اعلام خبر تکمیل این خط لوله به منزله یک پیروزی اقتصادی و دیپلماتیک بزرگ برای روسیه بود. کار ساخت پروژه «نورد استریم ۲» سال ۲۰۱۸ آغاز شد؛ خط لوله‌ای که قرار است سالانه ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز را از روسیه از طریق دریای بالتیک به آلمان برساند. آلمان سرمایه‌گذار اصلی این پروژه قرار است میزان گاز انتقالی از روسیه به این کشور را به ۲ برابر مقدار فعلی برساند تا پیش از احداث «نورد استریم ۲»، مسیر انتقال گاز طبیعی روسیه به اروپا از طریق زمینی از اوکراین می‌گذشت و این کشور سالانه یک میلیارد دلار از این بابت عایدی داشت اما اکنون با اجاری این پروژه، اوکراین از آن سود محروم می‌شود. دولت کیف که تاکنون از خط انتقال زمینی گاز روسیه به عنوان اهرمی برای فشار بر مسکو استفاده می‌کرد، اکنون بیم آن دارد که از این پس با محروم شدن از این امتیاز، در برابر مسکو آسیب‌پذیرتر شود؛ امری که پس از افزایش تنش‌ها در شرق اروپا می‌تواند موقعیت سیاسی اوکراین را خدشه‌دار کند. سرمایه‌های هوادانها منجر به افت سطح ذخایر گاز اروپا شده و سردی هوا و کمبود باد (برای تولید برق با توربین‌های بادی) باعث شده تقاضای نیروگاه‌ها برای سوخت فسیلی و گاز طبیعی افزایش یابد. باید دید آیا اروپا برای عبور از بحران انرژی تسلیم روسیه و مجبور به تأیید خط لوله «نورد استریم ۲» می‌شود یا اینکه راه دیگری برای عبور از کریسمس سرد و تاریک ۲۰۲۲ خواهد یافت.

### پیش‌نیازهای اجرای موفق بودجه ۱۴۰۱

نظام بودجه‌ریزی کشور یاد کرد، افزایش ۶۲ درصدی درآمدهای مالیاتی است؛ موضوعی که به اذعان دولتمردان قرار است منابع آن از طریق شناسایی و ممانعت از فرارهای مالیاتی موجود تامین شود. اتفاقی که در صورت رخ دادن نه تنها درآمد قابل ملاحظه‌ای را نصب اقتصاد ایران می‌کند بلکه ماهیتا می‌تواند روی بخش‌های مولد اقتصاد ایران تاثیر مثبت داشته و فعالیت‌های سودجویانه و سفته‌بازانه را کاهش دهد. هر این اتفاق‌ها - اصلاح ارز ترجیحی و حمایت یارانه‌ای از مردم و تحقق درآمدهای مالیاتی - در صورت عملیاتی شدن و اجرای دقیق می‌توانند به شرایط موجود اقتصاد ایران کمک کنند. برای مثال، فرض کنیم سال آینده، منابع ارزی‌ای که تا امروز غیربهرینه به واردات کالاهای وارداتی اختصاص یافته اما تأثیری روی زندگی و معیشت مردم نداشته و سود آن در جیب عده‌ای دلال قرار می‌گرفته قرار است مستقیماً به اقشار جامعه هدف پرداخت شود. از طرفی فراریان مالیاتی شناسایی شده و با دریافت مالیات نقره‌داغ شسوند. بدون تردید اقدام اول در راستای هدفمندسازی یارانه پرداختی و کمک به معیشت افراد و اقدام دوم در راستای هدایت اقتصادی و افزایش درآمدهای دولت، ۲ اقدام مفید و هوشمندانه به شمار می‌روند. اما سوال اینجاست: آیا همین امروز دولت و کشور آمادگی، شرایط، اطلاعات و امکانات اجرای این اقدام را با کمترین ضریب خطا و امکان موفقیت دارند؟ این ابهام زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم همچنان به‌رغم گذشت ۱۱ سال از آغاز پرداخت یارانه‌های نقدی با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال ۸۹، هنوز هستند کسانی که به هیچ وجه، شایسته دریافت این یارانه نبوده اما همچنان آن را دریافت می‌کنند، یا هنوز سسکنان محله‌های مرفه در شهرهای بزرگ یا ساکنان نقاط مرزی در استان‌های محروم یا افراد فاقد کارمندان دولت همان میزان یارانه‌ای را می‌گیرند که سایر یارانه‌ای - به نحوی که شاهد کمترین خطا یا اشتباه در آن باشیم، امیدوار بود؟ دولت محترم در حالی مالیات‌ستانی از فراریان مالیاتی را به عنوان دلیل اصلی خود برای افزایش درآمدهای مالیاتی در بودجه سال آینده مطرح کرده که سال جاری نیز قرار بود دولت از دریافت مالیات بر خانه‌های خالی کسب درآمد کند اما عملاً به‌رغم گذشت ۹ ماه از سال جاری، درآمدهای کسب‌شده از دریافت مالیات بر خانه‌های خالی چیزی نزدیک به صفر است؛ مسأله‌ای که دلیل عمده آن را می‌توان نبود داده‌های مشخص از میزان و محل خانه‌های خالی و عدم راهکار

پیش‌نیازهای اجرای موفق بودجه ۱۴۰۱  
نظام بودجه‌ریزی کشور یاد کرد، افزایش ۶۲ درصدی درآمدهای مالیاتی است؛ موضوعی که به اذعان دولتمردان قرار است منابع آن از طریق شناسایی و ممانعت از فرارهای مالیاتی موجود تامین شود. اتفاقی که در صورت رخ دادن نه تنها درآمد قابل ملاحظه‌ای را نصب اقتصاد ایران می‌کند بلکه ماهیتا می‌تواند روی بخش‌های مولد اقتصاد ایران تاثیر مثبت داشته و فعالیت‌های سودجویانه و سفته‌بازانه را کاهش دهد. هر این اتفاق‌ها - اصلاح ارز ترجیحی و حمایت یارانه‌ای از مردم و تحقق درآمدهای مالیاتی - در صورت عملیاتی شدن و اجرای دقیق می‌توانند به شرایط موجود اقتصاد ایران کمک کنند. برای مثال، فرض کنیم سال آینده، منابع ارزی‌ای که تا امروز غیربهرینه به واردات کالاهای وارداتی اختصاص یافته اما تأثیری روی زندگی و معیشت مردم نداشته و سود آن در جیب عده‌ای دلال قرار می‌گرفته قرار است مستقیماً به اقشار جامعه هدف پرداخت شود. از طرفی فراریان مالیاتی شناسایی شده و با دریافت مالیات نقره‌داغ شسوند. بدون تردید اقدام اول در راستای هدفمندسازی یارانه پرداختی و کمک به معیشت افراد و اقدام دوم در راستای هدایت اقتصادی و افزایش درآمدهای دولت، ۲ اقدام مفید و هوشمندانه به شمار می‌روند. اما سوال اینجاست: آیا همین امروز دولت و کشور آمادگی، شرایط، اطلاعات و امکانات اجرای این اقدام را با کمترین ضریب خطا و امکان موفقیت دارند؟ این ابهام زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم همچنان به‌رغم گذشت ۱۱ سال از آغاز پرداخت یارانه‌های نقدی با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال ۸۹، هنوز هستند کسانی که به هیچ وجه، شایسته دریافت این یارانه نبوده اما همچنان آن را دریافت می‌کنند، یا هنوز سسکنان محله‌های مرفه در شهرهای بزرگ یا ساکنان نقاط مرزی در استان‌های محروم یا افراد فاقد کارمندان دولت همان میزان یارانه‌ای را می‌گیرند که سایر یارانه‌ای - به نحوی که شاهد کمترین خطا یا اشتباه در آن باشیم، امیدوار بود؟ دولت محترم در حالی مالیات‌ستانی از فراریان مالیاتی را به عنوان دلیل اصلی خود برای افزایش درآمدهای مالیاتی در بودجه سال آینده مطرح کرده که سال جاری نیز قرار بود دولت از دریافت مالیات بر خانه‌های خالی کسب درآمد کند اما عملاً به‌رغم گذشت ۹ ماه از سال جاری، درآمدهای کسب‌شده از دریافت مالیات بر خانه‌های خالی چیزی نزدیک به صفر است؛ مسأله‌ای که دلیل عمده آن را می‌توان نبود داده‌های مشخص از میزان و محل خانه‌های خالی و عدم راهکار

پیش‌نیازهای اجرای موفق بودجه ۱۴۰۱  
نظام بودجه‌ریزی کشور یاد کرد، افزایش ۶۲ درصدی درآمدهای مالیاتی است؛ موضوعی که به اذعان دولتمردان قرار است منابع آن از طریق شناسایی و ممانعت از فرارهای مالیاتی موجود تامین شود. اتفاقی که در صورت رخ دادن نه تنها درآمد قابل ملاحظه‌ای را نصب اقتصاد ایران می‌کند بلکه ماهیتا می‌تواند روی بخش‌های مولد اقتصاد ایران تاثیر مثبت داشته و فعالیت‌های سودجویانه و سفته‌بازانه را کاهش دهد. هر این اتفاق‌ها - اصلاح ارز ترجیحی و حمایت یارانه‌ای از مردم و تحقق درآمدهای مالیاتی - در صورت عملیاتی شدن و اجرای دقیق می‌توانند به شرایط موجود اقتصاد ایران کمک کنند. برای مثال، فرض کنیم سال آینده، منابع ارزی‌ای که تا امروز غیربهرینه به واردات کالاهای وارداتی اختصاص یافته اما تأثیری روی زندگی و معیشت مردم نداشته و سود آن در جیب عده‌ای دلال قرار می‌گرفته قرار است مستقیماً به اقشار جامعه هدف پرداخت شود. از طرفی فراریان مالیاتی شناسایی شده و با دریافت مالیات نقره‌داغ شسوند. بدون تردید اقدام اول در راستای هدفمندسازی یارانه پرداختی و کمک به معیشت افراد و اقدام دوم در راستای هدایت اقتصادی و افزایش درآمدهای دولت، ۲ اقدام مفید و هوشمندانه به شمار می‌روند. اما سوال اینجاست: آیا همین امروز دولت و کشور آمادگی، شرایط، اطلاعات و امکانات اجرای این اقدام را با کمترین ضریب خطا و امکان موفقیت دارند؟ این ابهام زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم همچنان به‌رغم گذشت ۱۱ سال از آغاز پرداخت یارانه‌های نقدی با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال ۸۹، هنوز هستند کسانی که به هیچ وجه، شایسته دریافت این یارانه نبوده اما همچنان آن را دریافت می‌کنند، یا هنوز سسکنان محله‌های مرفه در شهرهای بزرگ یا ساکنان نقاط مرزی در استان‌های محروم یا افراد فاقد کارمندان دولت همان میزان یارانه‌ای را می‌گیرند که سایر یارانه‌ای - به نحوی که شاهد کمترین خطا یا اشتباه در آن باشیم، امیدوار بود؟ دولت محترم در حالی مالیات‌ستانی از فراریان مالیاتی را به عنوان دلیل اصلی خود برای افزایش درآمدهای مالیاتی در بودجه سال آینده مطرح کرده که سال جاری نیز قرار بود دولت از دریافت مالیات بر خانه‌های خالی کسب درآمد کند اما عملاً به‌رغم گذشت ۹ ماه از سال جاری، درآمدهای کسب‌شده از دریافت مالیات بر خانه‌های خالی چیزی نزدیک به صفر است؛ مسأله‌ای که دلیل عمده آن را می‌توان نبود داده‌های مشخص از میزان و محل خانه‌های خالی و عدم راهکار

### یادداشت



میشم مهرپور: دولت سیزدهم طی روزهای گذشته نخستین لایحه بودجه خود را تقدیم مجلس کرده بودجه‌ای که با بررسی آن و مشاهده مواردی چون کاهش یک میلیون بشکنای فروش روزانه نفت خام نسبت به بودجه قبلی و تبدیل افزایش‌های بیش از صد درصدی هزینه‌های جاری و مصارف عمومی دولت در بودجه قبلی به افزایش‌هایی کمتر از ۱۰ درصد در بودجه سال آینده نشان‌دهنده ایجاد یک واقع‌بینی در بخش منابع و درآمدها و انضباط و صرفه‌جویی در بخش هزینه‌ها و مصارف است. با این حال، به نظر می‌رسد ۲ نکته مهم در لایحه بودجه سال آینده وجود دارد که اجرای صحیح آن دو، می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد کشور و معیشت مردم داشته باشد. در اقتصاد ایران همواره این عبارت را شنیده‌ایم که تخصیص‌های صورت گرفته، بهینه نبوده و چه در منابع ارزی و ریالی و چه حتی منابع طبیعی و انرژی این منابع به صورت غیربهرینه و غیرهدفمند در اقتصاد ایران تخصیص یافته و توزیع شده‌اند. مسأله اول، موضوع تخصیص ارز ۳۲۰۰ تومانی به واردات برخی کالاهای اساسی است که بر اساس لایحه بودجه، قرار است تخصیص این ارز از سال